

# آشنایی با هینوتیزم

کتاب پیش نیاز دوره های آموزش کامل هینوتیزم

(جلد یک)

آشنایی با تاریخچه و ماهیت هینوتیزم

نوشته: استاد رهبر، بنیانگذار مکتب

علوم درونی (تایما)

در ایران و جهان

## (اخطار شرعی)

هرگونه کپی، رونویسی و چاپ از روی

مطالب این کتاب و در اختیار دیگران

قرار دادن به هر منظوری شرعاً حرام

است.



## معرفی کتاب

برای کسانی که در دوره های آموزش خود و دیگر هیپنوتیزم شرکت می کنند؛ لازم است قبل از ورود به مباحث اصلی ، با ماهیت این علم بطور کامل آشنا شوند تا بدانند که مشغول فراگیری چه دانشی هستند و اصل و ریشه آن از کجا بوده و چه فواید و کاربردهایی دارد.

بهمین دلیل این کتاب برای هر دو گروه از علاقمندان نوشته شده و اطلاعات لازم در این باره را که ، هیپنوتیزم چیست ؟ چه ماهیتی دارد ؟ فواید و کاربردهای آن کدام است ؟ در اختیار دانش پژوهان محترم قرار می دهد .

همچنین این کتاب می تواند مورد استفاده تمام علاقمندان به دانشهای درونی و بالاحص علم بسیار سودمند و کاربردی « هیپنوتیزم » قرار بگیرد. لذا ما سعی کرده ایم که تمام اطلاعات و آگاهی های لازم در جهت آشنایی با این علم را در این کتاب گرد آوریم. بهمین جهت می توانیم با اطمینان ادعا کنیم که این کتاب یک مرجع کامل در این باره بوده و شما با مطالعه آن ، مانند این است که چندین کتاب در این زمینه را خوانده اید و بعد از این حتی می توانید با اعتماد به نفس کامل در این باره در مجامع و محافل سخنرانی کنید. با این مقدمه کوتاه ، شما را به مطالعه مطالب جذاب این کتاب توصیه کرده و توفیق روزافزون شما را از درگاه خداوند متعال خواهانم .

- هیپنوتیزم چیست ، و اسرار آن کدام است؟
- آیا هیپنوتیزم نوعی قدرت جادویی است ؟
- آیا هیپنوتیزم وسیله ارتباط با ارواح و ماوراءالطبیعه است ؟
- آیا هیپنوتیزم یادگرفتنی است ، یا اینکه بعضیها ذاتاً دارای این قدرت هستند؟
- آیا هیپنوتیزم فایده ای هم دارد؟
- قدرت هیپنوتیزم تا چه حد است؟
- آیا یادگیری هیپنوتیزم خطرناک است؟
- آیا برای یاد گرفتن هیپنوتیزم باید دارای استعداد خارق العاده ای بود، یا اینکه همه میتوانند آن را فراگیرند؟

در این کتاب ، ما به تمامی این سؤالات و دهها و صدها سؤال نپرسیده دیگر شما جواب داده ایم.

همچنین در این کتاب به تمام جنبه های ماهیتی این علم پرداخته شده و نکته ناگفته ای را باقی نگذاشته ایم.

## سفنی باخواننده محترم

شما در مرحله اول ، کتب آموزش « مانیه تیزم » رادر یافت نموده اید. حال و قبل از اینکه به مطالعه کتب دوره آموزش هیپنوتیزم پردازید لازم می دانم که در باره این دو علم ارزشمند توضیح مختصری ارائه دهم تا با ذهنی بازتر مطلب را دنبال کنید.

**هیپنوتیزم** ، یک قدرت نیست، بلکه آن حالتی است که به روشها و طرق مختلف در انسان به وجود می آید و می توان از آن استفاده های شایانی برد. اما، « **مانیه تیزم** » یک قدرت درونی است که به تبع آن حالت هیپنوتیزم در بدن بوجود می آید.

« هیپنوتیزم » را، هر کسی که سواد کافی داشته و از هوش متوسطی هم برخوردار باشد با داشتن منابع خوب و استاد دلسوز و تلاش و کوشش لازم در مدت زمانی نه چندان طولانی می تواند فرا بگیرد. البته بحث درمان با هیپنوتیزم با موضوع آموزش و فراگیری آن تفاوت دارد. زیرا که بحث درمان یک کار تخصصی بوده و کسی که اقدام به این عمل می کند باید روانپزشک یا روانشناس بالینی باشد که به طور کامل با بیماریهای روانی آشنا بوده و درمان آنها را هم بداند؛ هم اینکه باید به علم هیپنوتیزم بطور کامل مسلط باشد و آنرا به صورت علمی و عملی فرا گرفته باشد که متأسفانه در کشور ما تعداد این افراد انگشت شمار است.

اما مانیه تیزم، همانگونه که گفته شد یک قدرت درونی است و هر چند که، نیروی ذاتی انسان بوده و همه ما با این توانایی به دنیا می آئیم، اما فقط تعداد خیلی به صورت مادر زاد امکان استفاده از آن را دارند. علت این امر هم فقط در یک توضیح بسیار ساده نهفته است. به مطلب بعدی توجه کنید:

مانیه تیزم، از لغت «مغناطیس» گرفته شده و اساس وجودی آن بر این تئوری استوار است که، دنیای ما از مواد و عناصر مختلفی ساخته شده و تمام این مواد و عناصر در بدن انسان هم یافت می شوند. به عبارت دیگر از هر چیز موجود در عالم در بدن انسان هم مقداری یافت می شود؛ از آب و باد و آتش و خاک گرفته (عناصر اربعه) تا انواع فلزات و عناصر دیگر. یکی از پدیده های عالم هستی، قدرت جذب یا مغناطیس است که در فارسی به آن «آهن ربا» گفته می شود. توضیح علمی این حالت در این کتاب ضرورتی ندارد و مسلماً شما هم تاکنون دهها نمونه از این آهن رباها را دیده اید. آهن ربا، فلز آهن را به سوی خود می کشد. در علم مانیه تیزم به این نوع آهن رباها، «مغناطیس معدنی» گفته می شود.

حال از آنجایی که هرچه در عالم هست در بدن انسان هم یافت می شود؛ بهمین دلیل گروهی از دانشمندان از قدیم الایام معتقد بودند که در بدن انسان هم باید قدرت مانیه تیزمی وجود داشته باشد. آنها به این نوع مغناطیس نام «مغناطیس حیوانی» داده بودند و بنده آن را به «مغناطیس انسانی» تغییر می دهم.

براین اساس برای بدن هم، قطبینه تعریف شد. همانگونه که آهن ربا به دو قطب شمال و جنوب و یا مثبت و منفی تقسیم می شود، بدن انسان را هم به دو قطب مثبت و منفی تقسیم کردند. در این تقسیم بندی، سمت راست بدن مثبت و سمت چپ منفی نامیده می شود.

از همان دوران کهن و همانگونه که در افسانه های هر قومی مشاهده می شود، همواره افرادی یافت می شدند که به صورت مادرزاد و یا بر اثر بروز اتفاقاتی ناخواسته که موجب پدیدار شدن این قدرت در وجود آنها می شد، از این انرژی برخوردار بوده و اگر با کسی تماس بدنی گرفته و یا وی را لمس می کردند، موجب بروز و ایجاد واکنشهای غیرعادی در بدن شخص تماس گیرنده می شدند.

بعنوان مثال، گاهی بیماری که توسط این اشخاص لمس می شد، به صورت معجزه آسا و در آن واحد شفا می یافت. ( مانند اعمالی که توسط حضرت عیسی (ع) در دوران قدیم و در عصر حاضر به توسط عارف کامل، مرحوم شیخ حسن نخودکی و امثالهم صورت می گرفت).

البته همیشه تعداد اینگونه افراد بسیار کم بوده و در حقیقت اینها جزو نوادر روزگار خود بودند و هستند. علمای علوم درونی و مانیه تیزم برای این سؤال که: چرا همه افراد نمی توانند اینکارها را انجام دهند؟ یک پاسخ کوتاه دارند. آنها می گویند: این قدرت مثل انرژی برق یا الکتریسیته است و بدن اکثر افراد عایق این انرژی بوده و اجازه رد شدن و خروج آن را نمی دهد. بهمین دلیل با وجود اینکه تمام مردم با این قدرت به دنیا می آیند، اما متأسفانه یا بهتر است بگوئیم خوشبختانه همه انسانها هیچوقت این امکان را نمی یابند که بتوانند از این انرژی استفاده کنند.

با این تفصیل مشخص می شود که مانیه تیزم را نمی توان به کسی آموزش داد. زیرا این قدرت درونی است، اما می توان آن را به افراد شناساند و اگر کسانی هستند که واسطه های خوبی اند و خودشان خبر ندارند با شرکت در دوره های آموزشی با این قدرت آشنا می شوند و چه بسا عاقبت پی به توانایی خود برده و امکان استفاده از آن را می یابند. اما یک نکته دیگر هم در باره مانیه تیزم باقی مانده است.

## ظهور قدرتهای عجیب بدون دلایل علمی در بدن برخی از افراد

همانگونه که قبلاً و طی کتب مختلف عرض کرده ایم، شناختی که ما از خود داریم کاملاً غلط و یا ناقص است. در این باره اگر بخواهیم به علم پزشکی و آناتومی مراجعه کنیم، تعریفی که علم جدید از انسان ارائه می دهد، موجودی است که از میلیونها سلول زنده ساخته شده و با توجه به ساختار و بدنی که دارد، قدرت انجام بعضی از کارها را داشته و برخی از اعمال را هم نمی تواند انجام بدهد.

مثلاً دانشمندان می گویند: انسان نمی تواند در آتش راه برود. زیرا بدن انسان می سوزد و از بین می رود. حال اگر کسی یافت شود که روی ذغالهای سرخ پابرهنه راه برود، دانشمندان علوم بیرونی، فوری به تکاپو می افتند که دلیلی پیدا کرده و ثابت کنند که این کار نشدنی است و حقه ای در کار است. چرا؟ چون بر اساس علم پزشکی بدن انسان از بافتهای زنده ای ساخته شده که در حرارت زیاد می سوزند و از بین می روند و این مطلبی است که همه می دانند. زیرا بالاخره هر کدام از ما در طول زندگی برای یک بار هم که شده سوختگی را کم یا زیاد تجربه کرده ایم و این مسئله دیگر به تلقین مربوط نیست که بگوئیم چون به خود تلقین میکنیم میسوزیم. خیر، واقعاً آتش بدن را می سوزاند و حتی اطفال هم که در بدو تولد هیچ شناختی نسبت به دنیا و محیط پیرامون خود ندارند، وقتی که ناخواسته جسم داغی را لمس می کنند دستشان می سوزد و فریاد برآورده و گریه می کنند. با این تفصیل پس چگونه ممکن است که شخصی در آتش راه برود و نسوزد. آیا داستان حضرت ابراهیم را باید باور کرد؟ چگونه امکان دارد که یک انسان در خرمی از آتش انداخته شده و سالم از آن بیرون بیاید؟ ( خواننده محترم توجه داشته باشد که ما از این مطلب منظور خاصی را دنبال کرده و خدای ناکرده منکر معجزه نیستیم. بلکه برعکس، می خواهیم امکان وقوع آن را به شکل علمی اثبات کنیم). و یا گاهی از اوقات در تلویزیون تصاویر اشخاصی را نشان می دهند که سیم لخت برق را در دست می گیرند، بدون اینکه آسیبی به آنها برسد.

پذیرفتن چنین کارهایی با علم جور در نمی آید و دانشمندان بخاطر همان شناختی که دارند این مسائل را رد می کنند. اما در عین حال هیچ توجیهی برای وقوع اتفاقاتی که در صفحه بعد ذکر خواهیم کرد هم ندارند.



## خروج شعله از بدن و سوختن افراد بدون هیچ دلیل علمی

در بعضی از کشورها ( مثل انگلستان و امریکا و فرانسه ) گزارشاتی از سوختن خودبخودی افراد در منزل یا حتی در حال حرکت و در خیابان دریافت شده که هیچ توجیه علمی از طرف دانشمندان علم فیزیک و پزشکی برای وقوع آنها تاکنون ارائه نشده است.

در برخی موارد نادر که امکان فیلم گرفتن بوده ، شخص در حال حرکت از خیابان بوده که ناگهان شعله آبی رنگی به صورت انفجاری از سینه و شکم وی خارج شده و بدن وی را منفجر و متلاشی کرده است. بنده سالهاست که در این زمینه تحقیق و پژوهش می کنم و تا به امروز نشنیده ام که عاقبت دانشمندان در باره دلیل وقوع چنین رویدادهایی به نتیجه علمی و قابل پذیرش حداقل برای خودشان رسیده باشند. حال به چند نمونه دیگر از موارد ماورائی توجه کنید و بعد به بحث اصلی خواهیم پرداخت.

## درمان یک شبه بیمارانی که پزشکان آنها را جواب کرده بودند

مطمئناً گاهی شما هم شنیده اید که افرادی در نزدیکی شما و یا در جاهای دیگر، که مبتلا به بیماریهای خطرناکی ( مثل سرطان ) شده و پزشکان از معالجه آنها عاجز شده و به قول معروف آنها را جواب کرده بودند به شکلی عجیب و باورنکردنی با دیدن یک خواب و یا شنیدن صدایی در گوش خود که به قول آنها موجودات ماورائی و یا پیشوایان مذهبی عامل آن بوده اند به یکباره شفا یافته و بیماری آنها حتی در آن واحد رخت بر بسته و هیچ نشانه ای هم از آن هم باقی نمانده است. این موضوع را علم پزشکی چگونه می تواند توجیه و تفسیر کند؟ به مورد عجیب دیگر توجه کنید.

## ظهور اشخاصی که یک شبه درمانگر شده اند

خواننده محترم به این موضوع هم توجه داشته باشد، مواردی که ما در اینجا بیان می کنیم، جدای اتفاقاتی است که واقعیت نداشته و با حقه بازی و دوز و کلک توسط اشخاصی کلاهبردار مطرح شده است. ( مثل مورد کلاهبردار معروف « علی اکبری » که مدعی انرژی درمانی بود و در چند سال گذشته میلیونها یا میلیاردها به جیب زد و دوباره به فرانسه و آمریکا گریخت ). بلکه مسائلی که ما مطرح می کنیم توسط منابع رسمی و دولتی بیان شده و در دانشگاههای معتبر دنیا و مراکزی که مأمور رسیدگی به چنین مسائلی هستند به ثبت رسیده و روی آنها کار پژوهشی انجام می شود. القصد ، به بحث خود برگردیم.

از گذشته های دور تا به امروز، افرادی یافت شده که مدعی گشته اند ، روزی در حالت خواب و یا در بیداری، فرشتگان یا موجودات ماورائی با آنها تماس گرفته و اعلام کرده اند که ، شما از این لحظه دارای قدرتی شده اید که می توانید بیماریهای مردم را شفا دهید. هم اکنون از این افراد در دنیای امروز هم یافت می شوند حتی همین چند سال پیش ، شخصی به نام آقای «پرونده» که در حال حاضر فوت کرده است، به عنوان انرژی درمانگر ( البته ایشان خود معتقد به عرفان اسلامی بوده و این نیرو را نشأت گرفته از باور ها و اعتقادات خود می دانستند ). تحت نظر پزشکان به معالجه بیماران سرطانی و **ام اس** می پرداخت . حال در اینجا سؤالات زیادی مطرح می شود، از جمله اینکه : این انرژی که افرادی ادعای داشتن آن را دارند چیست؟ از چه ماهیت فیزیکی برخوردار است ؟ آیا همان جریان برق است . سؤال بعدی این است که : این قدرت یا انرژی از کجا نشأت می گیرد؟ منبع آن کجای بدن بوده و چگونه تولید شده و از بدن فرد عامل به بیمار انتقال می یابد؟ چگونه باعث شفای بیمار می گردد؟ آیا نوعی داروست ؟ چگونه ممکن است شخصی، فردی بیماری را که مبتلا به سرطان پیشرفته است لمس کند و وی در آن واحد و یا چند روز بعد شفا یابد. و یا جالبتر از همه اینکه، کسی برای بیماری دعا کند و یا دعا بنویسد و آن بیمار ( مثلاً شخصی که نازایی دارد ) خوب شود؟ آیا علم پزشکی برای این موارد جوابی دارد؟ باید بگویم، بنده تاکنون هیچ توضیح و تفسیری از طرف دانشمندان علوم مدرن در اینباره شنیده ام. حال به یک مورد جالب دیگر هم پرداخته و پس از آن به بحث خود باز می گردیم.

## اشخاصی که دید پرتونگاری دارند

در حال حاضر کم نیستند افرادی که ادعا می کنند قادر به دیدن درون بدن افراد دیگر می باشند. ( این موضوع سوای آن قدرت دیدن به شکل چشم برزخی است که بعضی از عرفای ما مثل مرحوم آیت الله بهجت دارای آن می باشند ). اینها مدعی هستند که چشمشان مثل دستگاه پرتونگاری ، درون بدن انسان را دیده و بدینوسیله می توانند تشخیص دهند که افراد به چه بیماریهایی مبتلا هستند. وجود چنین اشخاصی جزو نوادر نیست و در گذشته های دور و در کشور عزیز ما هم بزرگان عرفان یافت می شدند که چنین قدرتی داشتند.

حال سؤال این است ، چگونه چشم انسان که تمام ابعاد و اجزای آن در علم پزشکی بررسی شده و هیچ نقطه ای باقی نمانده که چشم پزشکان با آن آشنا نباشند، قدرت چنین رویتی را دارد؟

مطمئناً شما هم با دستگاه پرتونگاری که در بیمارستانها بوده و به وسیله آن از بدن اشخاص عکس می گیرند آشنا هستید. این دستگاه با اشعه « ایکس » کار می کند. خود این اشعه برای بدن انسان ضرر دارد. حال چگونه می توان این موضوع را پذیرفت که شخصی در چشمان خود اشعه ایکس داشته و به وسیله آن درون بدن بیماران را ببیند؟ حال اگر بر فرض محال بپذیریم که چنین اشعه ای درون چشم ایشان موجود است، آنوقت سه سؤال مهم پیش می آید. ۱- چگونه این اشعه در چشم تولید می شود؟ ۲- چرا به چشم شخص بیننده یا عامل آسیب نمی رساند؟ ۳- چشم انسان چگونه این اشعه خطرناک را به کار می گیرد؟ چشم انسان که دستگاه پرتونگاری نیست .

این موارد و موارد شبیه به اینها که در طول تاریخ زندگی بشر و به کرات در تمام دوره های تاریخی روی داده است دلالت بر این دارد که شناخت ما از خودمان و جهان هستی کم یا ناقص یا غلط است. اگر شناخت پزشکان از بدن انسان درست بود و در آن هیچ چیز عجیب و غریبی یافت نکرده اند، پس هیچ یک از مواردی که بیان کردیم نباید اتفاق بیافتد.

این مثل آن است که شخصی ادعا کند هنگام تماشای فیلمی به درون تلویزیون خانه خود رفته و در آن فیلم بازی کرده است؟ و یا اینکه شخصی بگوید، به درون ماشین لباسشویی خود کشیده شده و از آنجا وارد دنیای دیگری شده است.

چرا اگر کسی چنین ادعایی کند ما نمی پذیریم؟ چون که ما با این وسایل آشنا بوده ( به موضوع آشنایی دقت کنید ) و از ساختار و ماهیت آنها اطلاع و شناخت دقیق داریم. تلویزیون و ماشین لباسشویی دو وسیله اند که به جایی ماورائی وصل نیستند. فیلم هم به صورت امواج از آنتن دریافت می شود و در تلویزیون دوباره به تصویر تبدیل می گردد.

این توضیحات کاملاً قابل قبول بوده و همه آن را می پذیرند. زیرا هر کسی در خانه خود هم تلویزیون دارد و هم ماشین لباسشویی. هر کس هم که نداشته باشد کاملاً با ساختار و عملکرد این دو وسیله آشناست. پس ما با تکیه بر شناخت درستی که از این دو وسیله داریم ادعای ورود به داخل آنها را از کسی نمی پذیریم. اما در باره بدن انسان چطور؟ اگر شناخت پزشکان و حتی خود ما که بدن خود و دیگران را می بینیم و جز مشتی پوست و گوشت و استخوان چیزی دیگری در آن مشاهده نمی کنیم درست است، پس این اتفاقات چگونه رخ می دهند. آیا این بدن، روکشی روی بدن اصلی ماست؟ آیا حقیقت وجود ما غیر از این است؟ واقعاً ما چه هستیم؟ از کجا آمده ایم؟ چه قدرتهای داریم؟

## علت ظهور قدرتهای فوق روانی بعد از رخ دادن حوادث

گاهی پیش آمده که فردی بر اثر تصادف با اتومبیل یا سقوط از ارتفاع یا برق گرفتگی و حوادثی مانند اینها به یکباره صاحب قدرتهایی فوق انسانی شده ؛ قدرتهایی که تا روز یا ساعاتی قبل از رخ دادن آن حوادث وجود نداشتند. در اینجا چند نمونه از این دست اتفاقات را از منابع معتبر نقل می کنیم.

چند سال قبل دو اتفاق در روسیه شوروی افتاد که منجر به ظهور قدرتهای فوق روانی یکسان در دو نفری شد که طی دو حادثه متفاوت صدمات شدیدی دیده بودند.

**مورد اول**، مربوط به زنی بود که از ارتفاع سقوط کرد و بعد از اینکه به تشخیص پزشکان مرده اعلام گردید در پزشکی قانونی بهوش آمد. وی پس از آن صاحب دید غیر عادی شد که وی را قادر می ساخت کیلومترها زیر زمین را ببیند. اکنون از قدرت وی در یافتن منابع و معادن استفاده می شود.

**مورد دوم**، هم باز مربوط به زن دیگری بود که در معدن دچار برق گرفتگی شدید می شود. وی نیز بعد از اینکه مرده اعلام می شود زنده شده و صاحب دید غیر عادی می گردد.

از این دو حادثه چه نتیجه ای می توان گرفت؟ آیا می توان گفت که ، این قدرتها درون انسان موجود بوده و حوادثی که برای افراد فوق رخ داده فقط نقش فعال کننده را داشته است؟ در این صورت نمی توان با آزمایش، نیروی فعال کننده را اگر برق است شناسایی کرده و در شرایط کنترل شده همانگونه که برای معالجه بیماریهای روانی از برق استفاده می شود نواحی از مغز را که مربوط به این قدرتها می شود تحریک نمود تا فعال شوند؟ به یک نمونه دیگر هم توجه کنید.

## بلند کردن اتومبیل سنگین توسط یک زن لاغر اندام

چند سال قبل در کشور امریکا ، زنی که به همراه کودک خردسال خود برای خرید به یک فروشگاه زنجیره ای رفته بود در حین خرید مشاهده کرد که کودکش نیست. بعد از جستجوی داخل فروشگاه و ی متوجه می شود که طفل در بیرون از فروشگاه زیریک ماشین خوابیده است. لحظاتی بعد راننده ماشین سوار شد و اتومبیل را روشن کرده و خواست ماشین را دنده عقب به حرکت در آورد، در این هنگام مادر بچه هراسان از فروشگاه به بیرون دویده و از پشت اتومبیل را گرفته و در کمال ناباوری نه تنها جلوی پیشروی ماشین سنگین را می گیرد، بلکه حتی آن را از زمین هم بلند می کند و این در حالی بود که آن خانم وزنی در حدود ۵۵ کیلو داشته است. این اتفاق بارها از تلویزیونهای خارجی نقل شده و برنامه های مستندی هم در این باره ساخته شد.

در اینجا مهمترین نکته ای که وجود دارد آن است که، چگونه ممکن است یک زن با وزنی در حدود ۵۵ کیلو یک اتومبیل سنگین را که چندین تن وزن دارد از زمین بلند کند؟ این کار در حالت عادی فقط از عهده قهرمانان وزنه برداری در رده سنگین وزن برمی آید که سالها در این رشته تمرین کرده اند؛ نه یک زن خانه دار.

حال به یک نمونه عجیب دیگر هم توجه کنید.

## ظاهر شدن یک فرد در دو مکان

چند سال قبل، تلویزیون یک برنامه مستند در باه حوادث و اتفاقات عجیب و باور نکردنی نمایش میداد. قسمتی از این برنامه به حادثه ای اختصاص داشت که باور کردن آن برای کسانی که سالها در این زمینه فعالیت داشتند بسیار سخت بود، چه برسد به کسانی که اصلاً اعتقادی به این مسائل ندارند.

داستان از این قرار بود که، یک عده دانش آموز به کمپی برده شده بودند، یک روز صبح یکی از دانش آموزان تصمیم می گیرد که به تنهایی در کوه و جنگل گردش کند. این در حالی بود که مربی و راهنمای دانش آموزان در چادری همراه با عده زیادی در حالت استراحت بود. در حین گردش ناگهان گرگی به دانش آموز مزبور حمله می کند و درست در لحظه ای که نزدیک بود حیوان به وی آسیب برساند، مربی از راه میرسد و با چوبی که در دست داشت حیوان را تهدید کرده و از آنجا دور می کند. سپس وی همراه با دانش آموز به سمت کمپ راه می افتد. درست در لحظه ای که نزدیک کمپ می شوند مربی به یکباره غیبش می زند. نوجوان وقتی به کمپ می رسد مشاهده می کند که مربی در خواب است. وقتی که وی را از خواب بیدار می کنند او تعریف می کند که در خواب دیدم گرگی به تو حمله کرد و من او را فراری دادم. وقتی که دانش آموز داستان خود را تعریف می کند بقیه دانش آموزان تأیید می کنند که در تمام طول مدتی که آن اتفاق روی داده بود، مربی مربوطه در همان چادر و در خواب به سر می برده است. در این باره چه می توان گفت؟ چگونه ممکن است یک نفر در آن واحد دردو جای مختلف باشد؟ ما در داستانهای عرفانی خود نیز داریم که «شمس تبریز» یک روز در ۹ یا ۱۰ جای مختلف ظاهر شده بود.

## نتیجه

اگر بخواهیم با اصول علم امروز این اتفاقات را بررسی کنیم باید حکم به رد همه آنها بدهیم. زیرا که از نظر علم هرگز امکان ندارد که یک نفر بتواند در آن واحد در دو جای مختلف ظاهر شود و یا اینکه شخصی بتواند با چشم معمولی زیر زمین را ببیند. اما از طرفی هم نمی توان اتفاقی را که بصورت واقعی و جلوی چشم عده زیادی روی داده ندیده گرفت و همه را متهم به خیالپردازی نمود.

علم امروز بر اساس مقیاسات خودش حوادث اینچنینی را بررسی کرده و از آنها نتیجه گیری می کند. این در حالی است که از هزاران سال قبل و در خلال داستانهای عامیانه نظیر چنین رویدادهایی به کرات نقل شده است. آیا پیشینیان ما هم خیالپرداز بوده اند؟ بنده به شخصه چنین فکری نمی کنم؛ بلکه به این نتیجه می رسم که شناخت ما از خودمان و جهان پیرامون ما غلط است و اگر حقیقت برای همه آشکار شود نه تنها از شنیدن چنین چیزهایی تعجب نمی کنیم، بلکه آنها را امری عادی به حساب خواهیم آورد. زیرا حقیقت هم همین است. حتی معجزاتی هم که پیامبران الهی انجام می دادند به وسیله بدن جسمانی و مادی آنها صورت می گرفت، بنابراین در بدن انسان باید ویژگی خاصی وجود داشته باشد که توانایی انجام یک عمل فوق انسانی را به صاحب آن بدن بدهد. اینجاست که ما باید در شناختی که از خود و جهان داریم تجدید نظر بکنیم. بطور حتم ساختار حقیقی ما چیزی غیر از آن است که ما می بینیم. درون ما قدرتهایی وجود دارد که حتی به مخیله ما هم خطور نمی کند. مانیه تیزم و هیپنوتیزم هم دو مورد از این توانایی هایی است که هنوز به درستی شناخته نشده اند، اما وجود دارند. در این دوره ما این دو علم ارزشمند را برای شما تدریس خواهیم کرد. حال به مقدمه درس توجه کنید.



## مُتَلَمَّتْ

همانگونه که قبلاً توضیح دادیم ، اجداد ما از همان قدیم با نیروهای شگفت انگیز درون آدمی آشنا بوده و از آنها در موارد لازم استفاده می نمودند. هیپنوتیزم، یکی از علومی است که از همان دوران شناخته شده و مورد استفاده قرار می گرفته است .

هیپنوتیزم علمی است که از سابقه چندین هزارساله برخوردار است. و مطالعه تاریخ زندگی بشر نشان می دهد که انسانها از قدیم با این پدیده آشنا بوده و با آگاهی کامل از قدرت آن در درمان بیماران و همچنین مراسم آئینی و جادوگری استفاده می کردند.

این علم بسیار با ارزش، مسیر پرخطر و طولانی را طی کرد تا در دوران جدید مورد پذیرش انسانها و مهمتر از همه دانشمندان علوم تجربی قرار گیرد. زیرا که در طول زمان هاله ای خرافی به دور و بر آن کشیده شده و ماهیت آن با افسانه ها و اوهام درهم آمیخته شده و تشخیص سیره از ناسیره بسیار دشوار گشته بود. به هر حال وبعد از صدها سال کشمکش بر سر رد یا قبول آن، نتیجه آن شد که دانشمندان آن را به عنوان یک علم پذیرفته و کاربردهای با ارزش آن را در امور درمانی و تربیتی و دیگر شاخه های علوم انسانی مورد تأیید قرار دادند.

در حال حاضر در امریکا و اکثر کشورهای اروپایی، این علم را به عنوان یک رشته دانشگاهی به پزشکان و روان شناسان و جامعه شناسان درس می دهند. اهمیت این علم در دنیای پزشکی تا بدانجاست که حتی رشته جدیدی بنام « هیپنوتراپی » به معنی درمان با هیپنوتیزم بوجود آمده و هر پزشکی می تواند در این علم تخصص دریافت کند.

شاید باور نکنید! اما این مطلب حقیقت دارد که در بسیاری از کشورهای پیشرفته، زنان باردار کودکان خود را با استفاده از هیپنوتیزم به د دنیا می آورند. همچنین دندانپزشکان بسیاری از این علم در حرفه خود

استفاده می کنند. حتی گاهی اوقات که استفاده از داروهای بیهوشی برای بیمارانی که باید تحت عملهای بزرگ جراحی قرار گیرند خطرناک است، با استفاده از هیپنوتیزم آنها را به خواب عمیقی فرو برده و در این حالت حتی قطع عضو هم انجام می دهند بدون اینکه فرد کوچکترین دردی را احساس بکند.

اما حتی با وجود استفاده گسترده ای که از این علم در رشته های پزشکی و روانشناسی و بطور کلی شاخه های مختلف علوم انسانی بعمل می آید، و با وجودی که علم و آگاهی بشر بسیار پیشرفت کرده، هنوز هم ماهیت آن بطور کامل روشن نشده و بین دانشمندان این علم در باره آن اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد.

بنظر بنده : شناخت کامل از ماهیت هیپنوتیزم و اثبات درستی آن بدون شناخت انسان محال است . زیرا از آنجایی که کالبد آدمی محل بروز و ظهور این پدیده و سایر پدیده های روانی است ، بهمین دلیل ما باید در ابتدا نسبت به وجود خود شناختی حداقل متوسط داشته باشیم، تا بتوانیم موضوعی را که درگیر آنیم بشناسیم . این مسئله در مورد تمام شاخه های علمی دیگر نیز صادق است. بطور مثال اگر پزشکی با اعضای بدن و عملکرد هر یک آشنایی کامل نداشته باشد، هرگز قادر به تشخیص بیماری و تعیین روش درمانی خاص برای آن نخواهد بود .

هر چند ما در صفحات آینده هیپنوتیزم را بطور کامل معرفی خواهیم کرد. اما ذکر یک تعریف کوتاه از آن برای آشنا شدن ذهن شما جهت درک مفاهیم تقریباً پیچیده بعدی و برای ادامه مطلب لازم بنظر می رسد.

"هیپنوتیزم"، در اصل یک حالت ذهنی است که بر اثر تمرکز فکری زیاد در جسم تجلی می کند. ( بر خلاف خواب طبیعی که بر اثر فعالیت های جسمی و خستگی ناشی از آن بوجود می آید ). فردی که در این حالت قرار می گیرد؛ شبیه کسی است که به خواب سنگینی فرورفته است. اما با این تفاوت که در خواب طبیعی نمی شود راه رفت و یا حرف زد و کارهای دیگر را انجام داد. اما در این حالت، فردی که به خواب « مصنوعی » یا هیپنوتیزم فرو رفته، می تواند حرف بزند، ورزش کند، نقاشی بکشد و دهها عمل دیگر را انجام بدهد؛ بدون اینکه از آن حالت بیرون آید.

هیپنوتیزم در امتداد مانیه تیزم شکل گرفت و بعد از اینکه مانیه تیزم در یک مقطعی از تاریخ از طرف دانشمندان آن زمان رد شد، تنها توجیهی که برای فرو رفتن افراد در حالت خلسه پذیرفته شد این بود که اشخاص به واسطه تلقین است که در این حالت فرومی روند و چون این حالت شبیه به خواب است، نام آن را « هیپنوتیزم » گذاشتند. « هیپنو » در زبان یونانی به معنای خواب و کلمه « تیزم - تیسیم » به معنای روش می باشد. پس هیپنوتیزم یا هیپنوتیسیم، به معنای: **روش خواب کردن است.**

همانطور که ملاحظه می کنید؛ این حالت در ظاهر بسیار غیر طبیعی بنظر می آید. لذا کسی که می خواهد چگونگی انجام آن را فرا گیرد؛ باید با جسم و دستگاه ذهنی خود بخوبی آشنا باشد. در غیر این صورت در این باره راه به جایی نخواهد برد. بهمین دلیل در طول این دوره، ما در باره جسم انسان و سیستم عصبی و چگونگی فعالیت آن نیز مطالبی عرضه خواهیم داشت.

شاید برای درک بهتر مطالب کتاب لازم باشد که شما بارها و بارها آن را مطالعه کنید. زیرا ممکن است درک صحیح بعضی از موارد آن بدون داشتن زمینه قبلی از نظر علمی آسان نباشد. همچنین شاید لازم باشد همزمان با این کتاب شما کتبی نیز در باره آشنایی با آناتومی و دستگاه عصبی انسان و همچنین علم روان شناسی بطور اخص تهیه کرده و مطالعه نمایید تا با آمادگی بیشتر در این راه گام بگذارید. و بالاخره اینکه بعد از مطالعه این کتاب می توانید با ما تماس گرفته و هر سؤالی که در باره مطالب آن داشتید را با ما در میان بگذارید. ما با کمال میل پاسخگوی شما خواهیم بود. موفق باشید.

## شناخت انسان

وجود انسان، خود معمایی بزرگ در هستی است. ما اکنون در دورانی زندگی میکنیم که آدمی به مدد نیروی فکر و اندیشه به پیشرفتهای محیرالعقولی دراکثرزمینه های علمی دست یافته است. مسافرت به فضا و حتی فرود بر روی کره ماه و اختراعات شگفت انگیزی مانند: سفینه های فضایی و کامپیوتر، رادیو و تلویزیون از موضوعاتی بودند که امکان وجود یا عملی شدن آنها در همین صدسال اخیر به فکر کمتر کسی خطور میکرد. اما بشر نشان داد که سلطان بلا منازع جهان مادی بوده و حقیقتاً لیاقت داشتن لقب خلیفه الهی را دارد. اما با تمام این پیشرفتهای شگفت انگیز، هنوز اسرار بسیاری در باره وجود خود انسان باقیست، که تاکنون کسی موفق به کشف راز و رمز آنها نشده است.

علم پزشکی در زمینه آناتومی و شناخت کالبد آدمی دیگر حرف ناگفته ای باقی نگذاشته است. اما همین علم هنوز جوابی برای اثبات یا عدم وجود روح ندارد. همچنین هنوز پزشکان جواب درستی برای بعضی از پدیده های عجیب مانند شفای ناگهانی و آنی بعضی از بیماران پیدا نکرده اند. بیشتر از هزار سال قبل امیر مؤمنان حضرت علی (ع) در باره وجود انسان فرمود: " ای انسان تو گمان میکنی که جرم صغیری هستی، درحالیکه جهان اکبر در تو پیچیده شده است. "

با مطالعه تاریخ زندگی انسانها در می یابیم که زمانی اجداد ما به شناخت بالایی در باره هستی و وجود آدمی دست یافته بودند. بزرگترین دلیل برای اثبات این سخن همانا وجود علمی مانند: طب سوزنی، هیپنوتیزم، علوم غریبه و شعبات آن مانند سحر و جادو و جفر و رمل و همچنین وجود مکاتب فلسفی و عرفانی است که از آن شناخت ناب الهام گرفته شده مانند، یوگا، دین و عرفان اسلامی و دهها علم و

مشرَب فکری دیگر. اما متأسفانه قسمت اعظم این دانشها و شناخت راستین آنها از هستی به دلایل گوناگون از بین رفته و در بعضی از موارد فقط نشانه ها و داستانهایی درباره آنها بجا مانده است .

در میان هر قوم و ملت و در هر سرزمینی، افسانه های بیشماری در باره انسانهایی قدرتمند با تواناییهای شگفت انگیزی مانند: پرواز در هوا بدون استفاده از هیچ امکانی و یا راه رفتن روی آب و آتش و موارد حیرت انگیز دیگری وجود دارد که نمیتوان همه آنها را افسانه و ساخته ذهن خیالپرداز افرادی انگاشت که جهت سرگرمی کودکان آنها را به هم بافته اند.

دانشمندان واقعی و دانایان بی غرض اعتراف میکنند که در چهار گوشه جهان شواهدی یافت شده که نشان میدهد، حقیقتاً در زمانهای دور علم و دانش بشر درباره وجود خود و هستی و خدا و دیگر مسائل خیلی بیشتر از آنی بوده که ما فکر میکنیم. پس به دلیل وجود همین شناخت و علم بیشتر، امکان دارد که آنها به قدرتها و تواناییهای فوق عادی دست یافته باشند. از جمله این تواناییها علم و دانش شگفت انگیز ( هیپنوتیزم ) است. دانشی بسیار شیرین و جذاب و مهیج و همچنین مفید و سودمند بحال بشر که، اهمیت وجود و فرا گیری آن برای انسان کمتر از اهمیت علوم دیگری مانند، پزشکی نیست. و اگر بخواهیم کمی بی پروا تر بگوئیم، حتی از آن هم بالاتر است. و این ادعائی است که صحت آن در خلال مطالب همین کتاب اثبات خواهد شد. حال بعد از این مقدمه کوتاه به مطالب اصلی کتاب می پردازیم.

## درس اول ، تاریخچه هیپنوتیزم

### مقدمه درس اول

همانگونه که در آغاز کتاب توضیح دادیم ، هنوز ماهیت انسان به تمامی شناخته نشده و اطلاعاتی که در حال حاضر ما در باره خود داریم ؛ بیشتر در باره جسم و کالبد مادی ماست . در صورتی که به تصریح تمامی ادیان ، انسان دارای یک وجود غیر مادی است که به آن « روح » گفته می شود .

شاید هیچگاه انسان نتواند به خود شناسی کامل نائل شود ؛ اما مطمئناً ما قادر خواهیم بود به مدد اندیشه و تفکر سالم و سازنده ، حقایق بسیاری را در رابطه با وجود و ماهیت خود کشف کرده و پرده از روی اسرار زیادی کنار بزنیم .

بی گمان ، " هیپنوتیزم " یکی از آن اسراری است که شاید انسان روزی بتواند به تمام اسرار آن پی ببرد . هر چند که در حال حاضر نیز دانش ما در این زمینه رشد زیادی کرده ، اما باید اعتراف کنیم که علم ما در این باره هنوز فرسنگها با دانش گذشتگان ما فاصله دارد . اکنون مدارک غیر قابل انکاری وجود دارد که ثابت می کند اجداد ما به دانش حیرت انگیزی در باره ساختار هستی و وجود خود دسترسی داشته اند و هیچکس نمی تواند بطور قطع و یقین اظهار نظر کند که چه کسی یا کسانی این معلومات را به پدران ما آموخته اند . آنهم در دورانی که بنا بعقیده دانشمندان هنوز انسان در عصر پارینه سنگی می زیسته و حتی از نظر روانی و عقلی به اندازه ای رشد نکرده و به تکامل نرسیده بود که بتواند خواندن و نوشتن را ابداع کند . بنظر می رسد که ما باید عمیقاً در باره صحت و ارزش مدارکی که اساس قضاوت ما در باره تکامل انسان و سایر موجودات دیگر می باشد دچار تردید شده و در این باره یک بازنگری نوینی صورت دهیم .

متأسفانه انسان امروز بخاطر پیشرفتهای چشمگیری که در زمینه علوم بیرونی داشته، دچار نوعی غرور کاذب شده و چشم خود را بر روی حقایق تاریخی بسته است. بسیاری از حقایق گذشته در قالب داستانها و افسانه بجا مانده، اما ما به دلیل عدم شناخت حقیقی همه آنها را به چوب خرافات می رانیم. مثلاً در قرآن مجید آمده که در زمان سلیمان نبی (ع) دیوها و اجنه برای آن حضرت کار می کردند و برخی از آنها در کار استخراج مروارید و جواهرات گرانبهاترین دیگر از دریاها بوده و دسته دیگری از آنها نیز بکار ساختن بناهای عظیم مشغول بوده اند. حال اگر شما این داستان را برای یک دانشمند علوم بیرونی و یا یک باستان شناس و مؤرخ نقل کنید: وی به این داستان خواهد خندید. زیرا به نظر او اصلاً موجودی به نام غول و دیو و جن وجود ندارد. چه برسد به اینکه برای انسان کار کند. در صورتی که قرآن کلام خداست و نعوذ بالله خدا که دروغ نمی گوید. پس حقایق زیادی درباره زندگی اجداد ما وجود دارد که چون فعلاً با معیار دانش امروزی قابل اثبات نیست؛ تماماً به عنوان افسانه و داستانهای خیالی طرد شده و کسی حاضر نیست روی آنها یک کار تحقیقی و علمی انجام دهد. چون ما به غلط فکر می کنیم که مطالبی که در باره آنها در این داستانها گفته می شود تماماً افسانه های خیالی است و ارزشی ندارد.

هیپنوتیزم هم از جمله مواردی بود که در ابتدا و حتی تا همین دویست سال قبل به عنوان یک امر خرافاتی و یا موجودی که از ماهیت جادویی و ساحرانه برخوردار است از طرف دانشمندان رد شده و حتی حاضر نبودند که آن را یکبار تجربه کنند. اما حالا وضع فرق کرده و آن را بعنوان یک رشته پزشکی در دانشگاه تدریس می کنند. در بخش بعدی شما را بیشتر با این علم آشنا خواهیم کرد.

## هیپنوتیزم چیست ؟

به این سؤال می توان از دو جنبه پاسخ داد . **صورت اول** ، پرداختن به معنی و مفهوم لغوی خود کلمه « هیپنوتیزم » است . **صورت دوم** ، پرداختن به ماهیت آن است ؛ که هیپنوتیزم چه چیزی است ؟ آیا علم است ؟ و اگر جواب مثبت است ؛ جزو کدام گروه از علوم بشری طبقه بندی می شود ؟

در این درس ، ما به طور مبسوط به هر دوی این قضایا پرداخته و مطلب را کاملاً باز می کنیم . و برای شروع ، ابتدا معنی کلمه « هیپنوتیزم » را توضیح می دهیم .

هیپنوتیزم یا هیپنوتیسم ترکیبی از دو جزء (هیپنو) و (تیزم) یا (هیپنو) و (تیسم) میباشد . بخش اول این کلمه ، یعنی « هیپنو » در زبان یونانی به معنای « خواب » بوده و بخش دوم « تیزم » یا « تیسم » نیز به معنی « روش » است . در این صورت کلمه « هیپنوتیزم » یا « هیپنوتیسم » به معنی « روش خواب کردن » خواهد بود و در کل ، هیپنوتیزم به معنای « خواب مصنوعی » است و ما در سطور آینده بطور مفصل درباره نام و پدید آورنده آن و بقیه مسائل مربوط به آن توضیح خواهیم داد .

این توضیح از نظر لغوی بود . حال بینیم از نظر ماهیتی هیپنوتیزم چه چیزی است ؟ آیا یک علم است ؟ آیا جزو شعبه بازی قرار می گیرد ؟ آیا یک نیروی درونی است و مختص عده بخصوصی است ؟ یا اینکه یک فنّ است و همه می توانند آن را بیاموزند ؟



اگر بخواهیم از نظر علمی در این باره توضیح بدهیم باید گفت : هیپنوتیزم، یک فنّ و روش است. روش دستیابی به سیستم فکری و ذهن و ضمیرناخودآگاه افراد است و از آنجایی که رسیدن به آن قسمت از ذهن انسان در حالت هشیاری به صورت طبیعی ممکن نبوده و فقط در حالات خاصی که محتاج نوعی از خود بیخودی است اتفاق می افتد و در این حالت شخص ظاهراً به خواب فرو میرود . به همین دلیل برای تمایز بین این خواب و خواب طبیعی به آن نام خواب مصنوعی داده اند.

پس نام دیگر هیپنوتیزم خواب مصنوعی است. همچنین به آن مانیه تیزم هم گفته میشود. کلمه مانیه تیزم از مغناطیس می آید و منظور در اینجا مغناطیس انسانی بوده و گفته میشود که هر شخصی دارای مغناطیسی بوده که اگر آن را تقویت و بکار بگیرد میتواند با این قدرت افراد را هیپنوتیزم کرده و در آنها نفوذ نماید. (در باره مانیه تیزم در کتب مخصوص به آن توضیح داده ایم). روش کار در مانیه تیزم با هیپنوتیزم طور کلی متفاوت است. هیپنوتیزم را می توان به صورت کاملاً علمی و در دانشگاه تدریس کرد. اما مانیه تیزم نیرویی است که ممکن است بدون هیچ آمادگی قبلی و به صورت مادرزادی در برخی از افراد ظهور و بروز نماید. بعداً در باره تمام این موارد به صورت مبسوط توضیح خواهیم داد.

## تاریخچه ی پیدایش هیپنوتیزم

هر علمی برای خود دارای تاریخچه ای است. زیرا که بالاخره روزی توسط شخص یا کسانی و در یک نقطه از دنیا کشف شده است. اما با گذشت زمان و وقوع حوادثی مانند جنگها و بلایای طبیعی بسیاری از مدارک و آثار تاریخی که می توانستند به ما نشان دهند که هر علمی در کجا و به توسط چه کسی کشف شده از بین رفته و به جای مطالب حقیقی مُشتی افسانه و یا حدس و گمان برجای باقی مانده است.

در باره هیپنوتیزم هم مسئله بهمین شکل است و ما در حال حاضر نمی دانیم که هیپنوتیزم برای اولین بار، توسط چه کسی و در کجا و به چه منظور کشف و مورد استفاده قرار گرفت؟ هیچ کس به یقین نمی داند. اما با توجه به اندک مدارکی که بصورت دیوارنوشته های معابد باستانی و یا شکلهایی که انجام هیپنوتیزم را نشان می دهند و یا داستانهایی که از گذشته های دور برجای باقی مانده می توان با قاطعیت زیادی اعلام کرد که منشأ آن مشرق زمین اسرار آمیز می باشد و بخصوص کشور مصر را می توان در این مورد پیشرو دانست. ( البته ناگفته نماند که ایرانیان باستان نیز بخوبی با این پدیده آشنا بوده اند ).

امابدون شک بنیان گذار هیپنوتیزم در عصر نوین، دکتر " فرانسوا آنتوان مِسمر " دانشمند و محقق بزرگ اطریشی است. این مرد بزرگ که سالها پیش از دنیا رفته با تلاش و کوششی خستگی ناپذیر در معرفی این علم به جامعه انسانی کوشید و آخر الامر به علت حسادت همکاران خود ( پزشکان نادانی که با وجود مسمر دکان خود را کم رونق می دیدند ) مجبور به جلای وطن گردیده و در کشوری غریب ( سوئیس ) در تنهایی و عزلت دارفانی را وداع گفت؛ اما میراث ارزشمند او برجای مانده و ما اکنون می توانیم به لطف این مرد بزرگ از دانشی چنین سودمند در جهت هر چه بهتر کردن زندگی خود استفاده کنیم.

داستان کامل زندگی مسمر در کتاب « کاشف مانیه تیزم » نوشته « اشتفان تسوایک » آمده و در صورتی که علاقه داشته باشید؛ می توانید با مطالعه آن کتاب با زندگی و مبارزات این دانشمند بزرگ و انسان نیکدل با جاهلان و نادانان عصر خود آشنا شوید.

## یونان فاستگاه لغت « هیپنوتیزم »

همانطور که گفته شد : منشأ هیپنوتیزم مشرق زمین است . اما شاید برایتان جالب باشد که بدانید ، لغت « هیپنوتیزم » دارای ریشه ای یونانی است و بعدها توسط یک چشم پزشک و دانشمند انگلیسی بنام « جیمز برید » روی این علم گذاشته شد و علت آن هم این بود که چون در هیپنوتیزم اشخاص به حالتی شبه خواب فرو می روند ( که البته با خواب طبیعی فرق می کند؛ بهمین دلیل به آن خواب « مصنوعی » می گویند .) لذا دکتر « برید » این کلمه را که در زبان یونانی معنای خواب می دهد را روی این علم گذاشت. البته این نام داستانی هم دارد .

## هیپنوس، فدای خواب یونانیان قدیم

در زمانهای قدیم در کشور یونان تعددخدایان رواج داشت و مردم برای هر کاری به معبد خدای مخصوص به آن مراجعه می کردند. از جمله این خدایان ، « هیپنوس » خدای خواب بود و کسانی که دچار بیخوابی می شدند به معبد او رفته و با نذر و نیاز یک خواب شیرین و عمیق را آرزو می کردند . بعدها کلمه « تیسم » که به معنی « روش » است به این کلمه اضافه شده و در مجموع نام « هیپنوتیزم » به معنی روش ایجاد خواب « مصنوعی » در انسان روی این علم گذاشته شد .

## هیپنوتیزم در میان ملل قدیم

قبلاً گفتیم که: هیپنوتیزم از جمله پدیده هایی است که ملل مختلف از زمانهایی قدیم با آن آشنا بوده اند. حال مختصراً و با توجه به مدارک به جای مانده توضیح کوتاهی در باره مللی که با این علم آشنا بوده اند می آوریم.

### ایرانیان و آگاهی آنها از اسرار هیپنوتیزم

به نظر حقیر، بدون هیچ شک و شبهه ای ایرانیان در روزگاران گذشته ، پیشتازان عرصه علم و فرهنگ بوده اند و این مطلب آنقدر واضح است که نیازی به اثبات ندارد . مثلاً در حال حاضر ، دنیا یک نوع روش زایمان را به نام « سزارین » می نامد که در شاهنامه فردوسی به طور آشکار نقل می شود که « زال » پدر رستم به راهنمایی « سیمرغ » افسانه ای برای اولین بار در جهان این عمل را انجام داد. زیرا که مادر رستم نمی توانست به علت درشت بودن بچه او را از راه طبیعی به دنیا بیاورد . حال با توجه به قدمت این داستان مشخص می شود که مبتکر این روش برای اولین بار در جهان ایرانیان بوده اند و اگر شاعری می گوید : **هنر نزد ایرانیان است و بس** ، سخن گزافی نگفته . اصولاً بهتر است که ما تعصب را در این زمینه کنار بگذاریم و هر انسان بی طرفی می تواند با مطالعه تاریخ به جقایق زیادی در این رابطه دست یابد . یکی دیگر از این مثالها ، داستان پرواز « کیکاووس » شاه است که باز در شاهنامه قید شده و این داستان به ما این حقیقت تاریخی را گوشزد می کند که این ایرانیان بودند که برای نخستین بار پرواز کرده اند. آنهم صدها سال قبل از این که برادران « رایت » بتوانند هواپیما را اختراع کنند.

در باره هیپنوتیزم هم من شک ندارم که ایرانیان ، اگر نگوییم : اولین ملتی بودند که به اسرار آن واقف شدند؛ بلکه با اطمینان تمام می توانیم ادعا کنیم که آنها در این زمینه پیشتاز بوده اند .

مثلاً در حال حاضر قوی ترین نوع خود هیپنوتیزم دردنیا ، توسط دروایش ایرانی در کردستان و مناطق دیگر انجام می شود . دروایش ما کارهایی انجام می دهند،(اعمالی مانند : خوردن شیشه و عبور سیخهای قطور فلزی و تیز از اعضای بدن و حتی قطع سر افراد و چسبانیدن دوباره آن توسط درویش استاد که به او « پیر » و « مراد » می گویند و همچنین در دست گرفتن سیم برق، بدون اینکه کوچکترین آسیبی به آنها وارد آید و دهها عمل دیگر که هم اکنون فیلمهای مستند و عکسهای زیادی در این باره موجود است .) که درک آن برای دانشمندان کشورهای مختلف بسیار سخت و غیر قابل باور است و به همین دلیل همیشه سعی کرده اند که به دنبال یافتن حقه و کلکلی در این رابطه باشند و چون چیزی پیدا نکرده اند ؛ ادعا کرده اند که اینها نوعی شعبده بازی است .

در حالی که دردیگر نقاط دنیا، مانند هندوستان و مالزی و پاکستان و کشورهای دیگر آسیایی ، درویشان آنها هم که اکثراً از نظر فرقه ای وابسته به دروایش ایرانی هستند نظیر این اعمال را در سطحی پائین تر انجام می دهند. و اینها همه ثابت می کند که شناخت گذشتگان ما از ساختار جهان و انسان بی نظیر بوده است . من مطمئن هستم که هیپنوتیزم توسط کاهنان ادیان قدیمی تر و همچنین موبدان زرتشتی از ایران به کشورهای همجوار رفته است . مثلاً کشور مصر از جمله ممالکی است که از دیر باز تحت تصرف و سلطه ایرانیان بوده و بعید نیست که به توسط ایرانیان هیپنوتیزم و اسرار آن به آن کشور منتقل شده باشد. جالب است بدانید دردین زرتشتی، نوعی نشستن تمرکزی وجود داشته که به آن « فر نشین » می گفتند.

## مصریان و هیپنوتیزم

همانطور که قبلاً عرض شد، مصریان نیز از دیر باز با این حالت آشنا بوده و در این باره مدارکی تاریخی وجود دارد. مثلاً بر دیواره های یکی از معابد مصر تصویری انسانی نقش بسته که در حال هیپنوتیزم نمودن فرد دیگری است. همچنین در کتاب « سینهوه » طیب فراعنه مصر نوشته « میکا والتاری »، سینهوه که بازگوکننده داستان کتاب است؛ اظهار می دارد: در جلسه ای حضور پیدا کرده که کاهنان معبد آمون در مقابل چشمان او با قدرت هیپنوتیزم بیماری خطرناک شخصی را در یک آن درمان کردند. البته آنها علت هیپنوتیزم شدن افراد را در خروج سیاله مغناطیسی از بدن هیپنوتیزور که در آن زمان کاهنان بودند. و انتقال یا پذیرش آن از طرف سوژه هامیدانستند و معتقد بودند همانطور که آهن ربا آهن را جذب میکند، به همان شکل هم نیروی مغناطیسی در بدن افراد وجود دارد که اگر روی آن کار شده و آن را پرورش دهیم، میتوانیم به وسیله آن افراد را هیپنوتیزم کرده و بیماریهای آنها را معالجه کنیم. و این به شناخت بالای آنها از جهان هستی برمی گشت. زیرا گذشتگان ما جهان رابه این شکل که ما تصور میکنیم، نمیدیدند. آنها معتقد بودند که جهان هستی از مواد مشخصی ساخته شده و این مواد مشخص که در حال حاضر ما آنها را عناصر مینامیم در بدن تمام موجودات زنده نیز موجود است. حال اگر آهن ربا که آن هم از همین اجزاء مشخص ساخته شده میتواند آهن و فلزات دیگر را به طرف خود بکشد، چطور انسان نتواند بکمک این نیرو درد و بیماری را از وجود هموعان خود بیرون بکشد. آنها مغناطیس موجود در آهن ربا را «مغناطیس معدنی» نامیده و مغناطیس موجود در بدن انسان را « مغناطیس حیوانی » نامیدند؛ که من آن را به « مغناطیس انسانی » تبدیل کردم.

البته در آن زمان هنوز نام هیپنوتیزم بر روی این علم گذاشته نشده بود بلکه آن را **مانیه تیزم** مینامیدند. چند صدسال بعدیک پزشک انگلیسی بنام **جیمز برید** نام هیپنوتیزم را بر روی این علم نهاد. که در قسمتهای قبلی معنای نام آن از نظرتان گذشت.

بعدها عده ای دانشمند نما که همواره در هر دوره ای وجود داشته و همیشه خدا هم عادت دارند با هر چیزی که از نظر آنها وجودش به اثبات نرسیده مخالفت کنند. آمدند و بعد از بررسیهای علمی بقول خودشان گفتند که سیاله مانیه تیزمی اصلاً وجود ندارد و هیپنوتیزم بر اثر تلقین افراد بخودشان و عوامل دیگری است که همگی جنبه علمی داشته و ربطی به پدیده مغناطیس انسانی ندارد. نظریه ای که در حال حاضر کاملاً رد شده است. زیرا دستگاههای جدید تصویر برداری هاله مغناطیسی موجود در جسم هر انسانی را بوضوح نشان میدهند و حتی در غرب عینکهای اختراع و ساخته شده است که هر کس آن را به چشم خود بزند، می تواند هاله بدن شخص دیگر را به وضوح ببیند.

از آن گذشته با دلایل بسیار ساده ای می توان وجود نیروی هیپنوتیزمی درون بدن انسان را ثابت کرد. در حال حاضر دستگاههایی ساخته شده اند که می توانند وجود برق در بدن انسان را نشان دهند. بدن انسان خلاصه عالم است و بهمین دلیل تمام عناصر و حالتها در آن یافت می شود. در بدن انسان هم آهن وجود دارد و هم طلا و هم مس و هر فلز دیگری، همچنین انسان و هر موجود زنده دیگری دارای ساختاری هستند که می تواند مواد مختلف را به چیزهای دیگر تبدیل کند. ( همانگونه که ما غذا می خوریم و آن غذا در بدن ما تبدیل به گوشت و پوست و استخوان می شود). سیاله مغناطیسی هم می تواند در بدن تولید شود و فرق انسان با جانداران دیگر در این است که بدن آنها به صورت ناخود آگاهانه و غریزی این کار ها را انجام می دهد، اما انسان می تواند آگاهانه در این کار دخالت کند. بعدها در این باره بیشتر توضیح خواهیم داد. حال به هیپنوتیزم در عصر جدید برمی گردیم.

## آغاز مانیه تیزم انسانی در دوران جدید

قبلاً با تاریخچه هیپنوتیزم در دوران قدیم آشنا شدید. حال بد نیست بدانید که شروع این علم در دوران جدید به چندسال قبل برگشته و شروع آن از چه زمانی و در کجا و به توسط چه کسی بوده است؟

آن چیز که در تاریخ بعنوان شروع مسئله مغناطیس انسانی ویا مانیه تیزم درج و ثبت گردیده، حاکی از این است که در حدود سالهای ۱۵۰۰ میلادی یک پزشک که ضمناً تحصیلات و مطالعات زیادی در امور روحانی داشته، دست به تألیف سه جلد کتاب با عنوان **فلسفه علوم غیبی** زد و در آن با توجه به اطلاعات علمی که در دسترس بود به تفسیر و توجیه افسونگری، سحر و طلسم پرداخت. این پزشک دانشمند که **هانری کورنه لیوس آگریا** نام داشت، در این نظریه پردازیه اعلام کرد که در جریان افسونگری پرتو هایی از چشمان جادوگر آزاد شده و میتواند چشمان فرد جادوزده یا چشم زده را آغشته سازد و به این ترتیب نیات و نظریات جادوگر به این صورت منتقل گردد و این بستگی به جادوگر دارد که چه نوع پرتو هایی یا انرژی هایی را آزاد کند. در آن دوران بسیاری از بیماری های واگیر دار، تصادفات و حتی مرگ های ناگهانی را به این نوع انرژی پراکنی های جادوگران نسبت میدادند و نظر فرد ناپاک در این ارتباط مورد سرزنش قرار می گرفت.

بنظر آگریا کلیه ذرات این جهان این نیرو را در خود داشته و بهمین دلیل یک دیگر را جذب میکنند. در این نظریه سمت راست هر انسانی را قطب مثبت و سمت چپ را منفی بحساب می آورند. همچنین جلوی بدن هر فردی قطب مثبت محسوب شده و پشت او قطب منفی بشمار می آید. این نظریات دوران طولانی را طی کرد تا بالاخره نوبت به پزشک اطریشی **فرانس آنتوان مسمر** رسید و او کسی است که در تاریخ



هیپنوتیزم یک چهره سرشناسی بحساب می‌آید زیرا که او در دوران جدید اولین کسی بود که به خاصیت مغناطیس حیوانی و معدنی پی برده و بیماران خود را با آهن ربا معالجه می‌کرد. بعدها به این فکر افتاد که چرا از انرژی و مغناطیس حیوانی موجود در بدن خودش برای درمان بیماران استفاده نکند. این بود که با مطالعه کتابهای گذشتگان روشهای این کار را آموخته و شروع به درمان بیماران خود نمود که در اکثر موارد نتیجه درخشانی هم گرفت. بعدها بدلیل حسادت و دشمنی عده ای کینه توز مجبور شد تا از وطن خود به کشورهای متعددی پناهنده شود. از جمله مدتی در فرانسه ماندوبه مداوای بیماران پرداخت. روش معالجه او به این صورت بود که بیماران را در یک اتاق و دور یک حوض چوبی بنام «باکه» جمع می‌کرد. درون باکه تعدادی بطری شیشه ای حاوی آب مغناطیسی شده قرار داشت و مابین بطریها را پودر شیشه ریخته و از هر بطری لوله ای مسی عبور داده بود که بیماران آن لوله را در دست می‌گرفتند و منتظر ورود مسمر میشدند. سپس او وارد میشد و سعی می‌کرد با حرکات بدن و پاسهای مغناطیسی انرژی مغناطیسی بدن خود را به بیماران انتقال داده و بدینوسیله موجب بهبودی آنان گردد.

در آن دوران مسمر با این شیوه موفق شد افرادی مهمی را معالجه کرده و بدینوسیله تبدیل به شخص معروف و مشهوری شود. اما بدلیل دشمنی پزشکانی که حاضر به پذیرش روش درمان او نبودند، مجبور شد که چند وقتی در کشورهای مختلفی اقامت گزیده و بالاخره در گمنامی بمیرد. اما چند سال قبل از مرگ او وبعد از فرونشستن آتش انقلاب در فرانسه و آرام شدن اوضاع، دانشمندان بیغرضی دوباره روی روش درمانی او به مطالعه پرداخته و آن را مفید تشخیص داده و چنین بود که دوباره نام «مسمر» بر سر زبانها افتاد. چند سال بعد از او بود که در یکی از جلسات درمانی به روش مسمر، فردی که مورد درمان قرار

گرفته بود در قبال پاسهای مغناطیسی عامل یا مانیه تیزور واکنشهای متفاوتی از خود روز داد که با تمام واکنشهایی که تا به آن روز بیماران در قبال دریافت نیروی مغناطیس حیوانی از خود بروز میدادند متفاوت بود. زیرا قبلاً اگر افراد را در معرض نیروی مغناطیسی قرار می دادند وی دچار تشنج شده و از هوش می رفت و بعد از به هوش آمدن بهبود می یافت. اما در آن روز شخصی که تحت در مان قرار گرفته بود بعد از اینکه به شکلی عمیق وارد حالت خلسه شد شروع به راه رفتن کرده و به صحبتهای مانیه تیزور واکنش نشان می داد. این اتفاق یک رویداد بسیار مهم در تاریخ هیپنوتیزم به شمار می آید. زیرا در آن روز بود که هیپنوتیزم متولد شد.

تا آن روز گفته شده بود که فقط با ارسال نیروی مانیه تیزم به شکل پاسهای دست از سوی استاد مانیه تیزور است که افراد وارد آن حالت می شوند؛ اما تحقیقات بعدی نشان داد که اگر افرادی را مجبور کنیم، برای مدتی طولانی وبدون پلک زدن به نقطه خاصی خیره شوند. پیامد اینکار بوجود آمدن نوعی حالت شبیه خواب است که نام آن را «خواب مغناطیسی» وبالاخره همانطور که در قبل گفتیم، هیپنوتیزم یا خواب مصنوعی گذاشتند. پس مشخص گردید که هیپنوتیزم چه زمان طولانی را طی کرده تا به ما رسیده، حال میخواهیم ببینیم که اصولاً ماهیت آن چیست وعامل بوجود آمدن هیپنوتیزم در بدن چه چیز است. آیا سیاله مغناطیسی موجب هیپنوتیزم شدن میشود یا نه علت چیز دیگری است.؟ به این سوالات در جلد دوم این کتاب ودر بخش آشنایی با ماهیت هیپنوتیزم بطور کامل پاسخ داده ایم.

## پایان کتاب اوّل

کتاب اوّل که شامل آشنایی با هیپنوتیزم و بیان تاریخچه مختصری از آن بود در همینجا به پایان میرسد و بعد از این وارد کتاب دوم بنام بررسی ماهیت هیپنوتیزم میشویم. آشنایی با ماهیت هیپنوتیزم از این نظر که به علت پیچیده بودن آن هنوز دانشمندان نتوانسته اند تعریف دقیقی برای هیپنوتیزم ارائه بدهند که بالاخره آن چه چیز است و به همین دلیل هر دانشمند و صاحبنظری برای خود تعریفی از آن را ارائه میدهد و دانستن این نظریات برای شما بسیار مفید است. هر چند که ما در این کتاب و در بخشهای مختلف، بارها تعاریفی از هیپنوتیزم را ارائه دادیم. اما در کتاب دوم با تفصیل بیشتری به آن خواهیم پرداخت.

البته توضیح ماهیت هیپنوتیزم به سادگی ممکن نیست. ما نیز ادعا نمی کنیم که به تمام اسرار در این زمینه دست یافته ایم، بلکه مطلبی را که فکر می کنیم درست است با شما در میان می گذاریم. بنده از سن دوازده سالگی در باره هیپنوتیزم، تحقیق و پژوهش کرده و مطالبی که در این دوره تقدیم شما می کنم حاصل یک عمر کار علمی است؛ پس از ارزش زیادی برخوردار است.

شاد و پیروز و موفق باشید. (هنما)